

بازنمایی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد به سیگار در

میان دانشجویان

حسین افراسیابی* ، جواد مداحی**

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۱۲

چکیده

دانشجویان، بخش مهمی از سرمایه انسانی جامعه محسوب می‌شوند که هزینه‌های زیادی صرف حفظ و ارتقای سلامت آنها می‌شود. با وجود زیان‌های شناخته‌شده سیگار برای سلامتی، جوانان و دانشجویانی هستند که در اوقات فراغت خود سیگار مصرف می‌کنند. این پژوهش به دنبال تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد به سیگار دانشجویان، براساس نحوه ادراک این کنش معنادار اجتماعی نزد آنان است. با توجه به هدف مطالعه، در پژوهش حاضر از روش تحقیق کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها نیز از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جامعه مورد مطالعه را دانشجویان پسر خوابگاهی دانشگاه یزد تشکیل می‌دهند که تعداد ۵۰ نفر به شیوه غیرتصادفی و هدفمند در مصاحبه‌ها مشارکت داشتند. با تحلیل داده‌ها در

hafraziabi@yazd.ac.ir

gmaddahi@yahoo.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسؤل).

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد .

چارچوب کدگذاری نظری، پنج مقوله اصلی (نبود نظارت خانواده، محدودیت امکانات ورزشی، تفریح قهوه‌خانه‌ای، فراغت منفعلانه، مصرف دخانیات) و یک مقوله هسته (اوقات فراغت بستر بروز رفتار مصرف‌محور) استخراج شد. در پایان مدل پارادایمی مستخرج از داده‌ها طرح شد.

مفاهیم کلیدی: اوقات فراغت، سیگار، دانشجویان، اعتیاد، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه و بیان مسئله

فراغت در کنار کار، یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان مدرن است. حتی می‌توان گفت کیفیت کار و زندگی، به کیفیت گذران اوقات فراغت ربط دارد. اهمیت اوقات فراغت در مورد جوانان که هنوز وارد بازار کار نشده و وقت آزاد بیشتری در اختیار دارند، از اهمیت دوچندان برخوردار است. نحوه گذران اوقات فراغت در هویت‌یابی و کنش‌های بهنجار یا نابهنجار جوانان موثر است. بیشترین صدماتی که ممکن است برای جوانان آسیب‌های طولانی مدت در برداشته باشد، برگرفته از اوقاتی است که این قشر عظیم اجتماع در آن لحظات تکلیف یا کار موظفی را عهده‌دار نبوده و مایل هستند براساس علاقه خود اوقات مذکور را سپری کنند (واصفیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۶). اوقات فراغت^۱ و نحوه گذران آن، از مباحث تازه‌ای است که پس از انقلاب صنعتی و رشد صنایع و فناوری، توجه جامعه‌شناسان را برانگیخته و به موضوعی مهم در حوزه جامعه‌شناسی بدل شده است (فکوهی و انصاری مهابادی، ۱۳۸۲: ۶۲). اوقات فراغت از ارزشمندترین، پربارترین و حساس‌ترین زمان‌های زندگی انسان است. می‌توان آن را شبیه به یک شمشیر دولبه تصور کرد: یک لبه آن می‌تواند زمینه و بستری برای خلاقیت، پیشرفت و تعالی جوانان باشد و یک لبه دیگر آن می‌تواند به یک عامل برای

گرایش به جرم و بزهکاری و آسیب‌پذیری اجتماعی در بین این گروه از جامعه تبدیل شود.

بدون تردید زمانی که از اوقات فراغت بحث به میان می‌آید، نشان از ارزشمندی این اوقات است. هنگامه‌ی بسیار حساس و پرمعنا، اوقاتی سرنوشت‌ساز از کتاب زندگی که نیازمند اراده‌هایی استوار و اندیشه‌هایی خلاق است. در چنین موقعیتی هر نوع فعالیتی که بتواند درصدی حتی اندک از شور، هیجان و انرژی اعضا خانواده بالاخص جوانان را ارضا و تخلیه نماید کمک بزرگی در کنترل و پیشگیری از کجروی‌ها و انحرافات اجتماعی به شمار می‌آید. باوجود تأثیر مضر شناخته‌شده‌ای که سیگار بر روی سلامتی دارد، بسیاری از جوانان در اوقات فراغت خود و به صورت تفریحی دست به این رفتار پرخطر می‌زنند و مصرف سیگار را ادامه می‌دهند. شیوع بالای مصرف سیگار در بین جوانان خطر وابستگی به آن و عواقب منفی بر روی سلامت را در پی خواهد داشت. نکته قابل‌توجه آن است که بسیاری از دانشجویان نیز به سیگار کشیدن روی آورده‌اند و مهم‌تر آن‌که باوجود شناخت مضرات آن، استعمال دخانیات در بین دانشجویان در حال افزایش است (قدوسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). طبق گزارش وزارت بهداشت - درمان و آموزش پزشکی درسال ۱۳۶۹ فقط ۱۰/۷ درصد از افراد ۱۵-۲۴ ساله سیگاری بودند، در حالی که در سال ۱۳۷۹ این رقم به ۱۷/۱ درصد افزایش یافته است (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۸). همچنین پژوهش انجام شده درسال ۱۳۸۹ نشان داد ۸۳/۵ درصد از دانشجویان مورد بررسی سابقه مصرف سیگار داشتند و ۶/۸ درصد آنان به مصرف ادامه داده بودند. نویسنده فوق ادامه داده است که درحال حاضر حدود ۱۰ میلیون سیگاری درکشور وجود دارد و آخرین آمار مربوط به بررسی عوامل خطر‌ساز بیماری‌های غیرواگیر نشان داده است، ۱۱/۹ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال که اکثریت آنان پسران جوان می‌باشند به طور روزانه مصرف‌کننده مواد دخانی درکشور هستند (رمضانی و همکاران، ۱۳۸۹).

جوانان به خصوص دانشجویان که از مهم‌ترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند در مصاف با این دشواری‌ها دچار آسیب‌پذیری بیشتری می‌گردند. اوقات فراغت محصول دوران نواندیشی انسان در مورد سرنوشت خویش و دوران رهایی از فعالیت‌های یدی و جمعی می‌باشد. امروزه دیگر اوقات فراغت یک پدیده جانبی نیست بلکه یکی از حوزه‌های مهم تمدن جدید و زندگی افراد جامعه است که در صورت عدم مدیریت درست آن آسیب‌های فراوانی را به خصوص بر روی نسل جوان جامعه ایجاد می‌کند. بیشتر اختراعات و اکتشافات بشری که به وسیله دانشمندان و متفکران صورت گرفته است محصول تفکر و قوه ابتکار و خلاقیتی است که در زمان فراغت حاصل آمده است و بیشتر جرائم و بزهکاری‌ها نیز در اوقات فراغت صورت می‌گیرد. اگر انسان برای اوقات فراغت خود برنامه یا فعالیتی نداشته باشد آنگاه اوقات فراغت به بیکاری تبدیل می‌شود و بیکاری نیز عموماً سبب افت و بزهکاری و انحراف می‌شود و هرگونه بی‌توجهی و سهل‌انگاری بالاخص در مورد اوقات فراغت جوانان دانشجو که قشر عمده و مولد جامعه ما را تشکیل می‌دهند می‌تواند تأثیرات و نتایج جبران‌ناپذیری را نه تنها برای جوانان، در واقع در کلیه جنبه‌های جامعه بجای گذارد.

در رابطه با نقش اوقات فراغت و تأثیر آن بر مصرف سیگار در میان دانشجویان پژوهش‌های اندکی صورت گرفته و اغلب پژوهش‌های انجام شده پیرامون این موضوع به شکل خاص، با محور قرار دادن روش‌شناسی کمی و فرض‌های نظری درصد تبیین این مسئله متأثر از نظریه هستند و برخی نیز تعمیم یافته‌ها را دنبال می‌کنند؛ از همین رو از شناخت ماهیت موضوع و ورود به عمق واقعیت و فرایند این کنش باز می‌مانند. همین امر محققان پژوهش حاضر را بر آن داشته است تا از منظری کیفی و با بهره‌گیری از رویکرد تفسیری و روش‌شناختی نظریه‌ی زمینه‌ای، در جهت فهم و کشف این موضوع برآیند. مسئله این تحقیق شناسایی و تبیین نقش اوقات فراغت و نحوه گذران آن در مصرف سیگار میان دانشجویان پسر، متأثر از تجربه زیست اجتماعی این گروه در خوابگاه دانشجویی است که ضرورت نگاه ویژه و خاص روش‌شناسی کیفی با نگاهی

درونی و نافذ به پدیده را از منظری متمایز، پیوستاری، فرایندی و تجربه محور نشان می‌دهد. تحقیقات انجام شده در زمینه بررسی علل آسیب‌های اجتماعی در میان جوانان نشان می‌دهد نداشتن برنامه خاص برای گذران اوقات فراغت و بیکاری ناشی از آن تأثیر بسازایی در گرایش جوانان به رفتارهای آسیبی و انحرافی دارد و اینجاست که حساسیت و لزوم توجه ویژه در برنامه ریزی اوقات فراغت جوانان نمود پیدا می‌کند (رفعت جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۴). آمار و ارقام ذکر شده در مقدمه حاکی از رشد مصرف سیگار در بین دانشجویان است و با توجه به مشاهدات محقق بیشتر این دانشجویان در اوقات فراغت خود اقدام به مصرف سیگار می‌کنند. مطالعه چگونگی گذران اوقات فراغت دانشجویان و شناسایی عوامل آسیب زای آن به ما کمک می‌کند تا بتوانیم نیازها، علایق و مشکلات فراغتی آنان را شناخته و در راه رفع آن تلاش کنیم.

مطالعه حاضر به بررسی این سؤالات می‌پردازد که نقش اوقات فراغت در مصرف سیگار دانشجویان پسر چیست؟ چرا برخی دانشجویان برای گذران اوقات فراغت خود اقدام به مصرف سیگار می‌کنند؟ دانشجویان مصرف کننده سیگار در چه مکان‌هایی بیشتر سیگار مصرف می‌کنند و دلیل آن چیست؟ غالب اوقات فراغت دانشجویان پسر چگونه سپری می‌شود؟

پیشینه پژوهش

دوران دانشجویی زمانی است که بسیاری از مسیرهای رفتاری در حال تکوین و تثبیت است و مصرف سیگار در دانشجویان باید به دقت مدنظر قرار گرفته و بررسی شود. در میان اندک پژوهش‌های انجام شده در حوزه اوقات فراغت که به بررسی رابطه اوقات فراغت با بزهکاری و انحراف جوانان، خصوصا در زمینه دخانیات در میان دانشجویان پرداخته‌اند. با در نظر گرفتن پیشینه نظری در این حوزه و روش کمی می‌توان گفت که تقریبا به نتایج مشابهی رسیده‌اند. کمتر پژوهشی با روش کیفی به بررسی نقش اوقات

فراغت دانشجویی و عدم استفاده درست از آن در ایجاد زمینه‌های اعتیاد به سیگار و سایر انحرافات اجتماعی پرداخته است.

پژوهش امین‌الرعی و همکاران (۱۳۹۲) که با هدف بررسی عوامل مؤثر در گرایش به استعمال سیگار دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد، نشان داد که از مهم‌ترین علل گرایش دانشجویان پزشکی اعم از سیگاری و غیرسیگاری، کمبود امکانات تفریحی و فراغتی بود. همچنین ناظمی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان بررسی شیوع و علل گرایش به دخانیات در دانشجویان را بر روی ۱۸۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شهر شاهرود انجام داده و به این نتیجه رسیدند که از جمله عوامل مهم در گرایش دانشجویان به مصرف سیگار دوری از خانواده، سرگرمی و گذراندن اوقات بیکاری، رابطه با دوستان سیگاری و کاهش استرس است. پژوهش فریدفتحی و همکاران (۱۳۹۱) که در شهر مراغه بر روی نوجوانان بین ۱۳ تا ۱۸ ساله انجام شد، به این نتیجه رسیدند که بهبود در شیوه گذراندن اوقات فراغت و سوق دادن نوجوانان به فعالیت‌های فراغتی سالم و سازمان‌یافته و توجه مسولان به ایجاد امکانات تفریحی سالم و خانوادگی، نقش مهمی در کاهش بزهکاری نوجوانان دارد. خواجه نوری و هاشمی‌نیا در پژوهشی که در (۱۳۸۹) با عنوان رابطه اوقات فراغت و بزهکاری در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین اوقات فراغت سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده با بزهکاری نوجوانان رابطه منفی وجود دارد اما میان اوقات فراغت سازمان‌نیافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. تیبیا (۱۳۸۸) به تحقیقی با عنوان، بررسی پایگاه اجتماعی-اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان (۲۹-۱۸) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی پرداخت. نتایج به این صورت است که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و انواع فراغت رابطه وجود دارد؛ به این شکل که هر چه پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان بالاتر باشد، از مقدار انواع فراغت آن‌ها کاسته می‌شود. مجیدپور و همکاران (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی دیگر با عنوان میزان شیوع و

علل گرایش به مصرف سیگار در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل این نتیجه را گزارش می‌کنند که عوامل مؤثر بر گرایش به مصرف سیگار در میان دانشجویان، رابطه با دوستان سیگاری و تفریح و سرگرمی می‌باشد. در مطالعه‌ای دیگر احمدی و همکاران (۱۳۸۰) نشان داده‌اند که بین نحوه سپری شدن اوقات فراغت و بزهکاری رابطه معنی‌داری وجود دارد. این در حالی است که مشکانی و مشکانی (۱۳۸۱) در مطالعه خود بر روی گروهی از جوانان شهر تهران بین گذران اوقات فراغت و بزهکاری جوانان رابطه معنی‌دار نیافته‌اند.

اید^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان مسئله مصرف سیگار در میان دانشجویان دانشگاه حلوان^۲، نشان دادند که تعداد سیگاری‌ها در بین دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر بیشتر و بالاتر بود و دانشجویان پسر حدود ۲۸/۵ درصد و در مقابل ۹ درصد از دختران سیگار مصرف می‌کردند. عواملی چون فراهم بودن شرایط و در دسترس بودن سیگار، مصرف تفریحی سیگار و سیگاری بودن پدر از عوامل مهم در شیوع مصرف سیگار در میان دانشجویان شناخته می‌شود. کاترین^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان مصرف سیگار در میان دانشجویان دانشگاه‌های ایالت متحده آمریکا به این نتیجه رسیدند که مصرف سیگار در میان دانشجویان بسیار محبوب است. همچنین با مقایسه‌ای از سال ۲۰۱۱ که میزان دانشجویان سیگاری ۱۹/۵ درصد بوده در سال ۲۰۱۲ این رقم به ۲۷/۸ درصد رسیده که نشان‌دهنده افزایش مصرف سیگار در میان دانشجویان می‌باشد. ویژتوم^۴ و همکاران (۲۰۱۲) پژوهشی را بر روی ۱۴۸ دانشجوی پرستار آلمانی انجام داده و به این نتیجه رسیدند که حدود ۴۱/۹ درصد از دانشجویان روزانه به نیکوتین اعتیاد داشته یا به طور کم مصرف می‌کردند. مطالعه

-
1. Eid
 2. Helwan University
 3. Catherine
 4. Vitzthum

ین^۱ و همکاران (۱۹۹۹) نشان داد که نوجوانانی که اوقات فراغت خود را در بین دوستان در فعالیت‌های بدون نظارت می‌گذرانند، بیش از جوانانی که رفتار بزهکارانه از خود نشان می‌دهند به فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان‌یافته و فعالیت‌های ورزشی و همچنین فعالیت‌های درون‌خانه می‌پردازند. همچنین واگنر و همکارانش^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه خود نشان دادند که به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی گروه‌های جامعه، درگیر شدن جوانان در اوقات فراغت سالم محدود شده است. لذا بسیاری از جوانان وقت خود را در گروه‌های دوستی خارج از خانه و در خیابان و مصرف سیگار و الکل سپری کرده‌اند. مطالعه آگینو (۱۹۸۹) نیز نشان داد که مشارکت در فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته با بزهکاری کلی دارای رابطه منفی و معناداری است. همچنین وقت تلف کردن و ول‌گشتن با بزهکاری رابطه معنادار مثبتی دارد. از سوی دیگر، فعالیت‌های سرگرمی منفعلانه با بزهکاری کلی دارای رابطه منفی بوده است.

به طور کلی، می‌توان جنبه‌های تفاوت پژوهش حاضر را ناشی از نوع تحلیل و چگونگی اثرگذاری جنبه‌هایی دانست که در بازنمایی و توصیف لایه‌های عمیق مصرف سیگار در نظر است. چنانکه ورود به تحقیق با رویکرد کیفی و زمینه‌ای نیز این تفاوت را دارد و مدعی است که ورود به یک رویداد و کشف لایه‌های عمیق و شرح چگونگی آن، این تحقیق را با دیگر تحقیقات متفاوت می‌سازد. با نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در ایران و تحقیقات خارجی هم می‌توان به اهمیت مسئله اعتیاد به سیگار در میان دانشجویان پی‌برد و هم به خوبی می‌توان به ضعف مطالعات کیفی در حوزه‌ی اوقات فراغت و تأثیر آن بر اعتیاد به سیگار جوانان پی‌برد. عموم کارهای صورت گرفته با روش‌شناسی کمی انجام شده است. محققان عموماً با پیش‌فرض‌های نظری از پیش مشخص وارد میدان شده‌اند و نتایج به دست آمده متأثر از همین موضوع، از راه یافتن

1. Yen
2. Wegner

به عمق فرایند و تشریح آن بازمانده‌اند. این پژوهش با توجه به شیوه‌ی کیفی و تحلیل عمیق مسئله، برای مطالعات انجام گرفته در حوزه‌ی اعتیاد جنبه تکمیلی دارد.

چارچوب مفهومی پژوهش (حساسیت نظری)

معمولا در پژوهش‌های کیفی از چارچوب نظری به شیوه رایج در تحقیقات کمی، استفاده نمی‌شود؛ اما بنیانگذاران راهبرد نظریه داده بنیاد^۱ از جمله اشتروس و کورین^۲ با طرح مفهوم حساسیت نظری معتقدند نظریه‌هایی که در ذهن داریم به شیوه‌های مختلفی بر تحقیق ما اثر می‌گذارد و برای تحلیل داده‌ها نیاز به استفاده از دانش انباشته داریم و نباید آن را به‌طورکلی کنار بگذاریم. دانش انباشته در زمینه موضوع مورد بررسی می‌تواند به‌عنوان ابزار تحلیلی به کار رود و منابع غنی برای تحریک تفکر پیرامون خصیصه‌ها و طرح سؤالات مفهومی باشد. بر همین اساس در ادامه مروری کوتاه بر چند نظریه در زمینه اوقات فراغت و بزهکاری اجتماعی خواهیم داشت.

اوقات فراغت: سیریل اسمیت^۳، نظریه‌های اوقات فراغت ویژه‌ای را که در زمینه فراغت از سوی متفکران اجتماعی اظهار شده است به سه دیدگاه نظری تقسیم می‌کند: نظریه خرده‌فرهنگ خاص جوانان، نظریه نقش و پایگاه، نظریه اجتماعی شدن. نظریه خرده‌فرهنگ، جوانان را مستقل از فرهنگ جامعه و حتی گاه متضاد با آن می‌بیند. نظریه پردازان خرده‌فرهنگی معتقدند، همین که کودکان به دوره نوجوانی وارد می‌شوند با همسالان خود، اجتماع می‌کنند و از شیوه‌های رفتاری مستقلی پیروی می‌نمایند. اجتماع جوانان در طبقات پایین به عنوان «فرهنگ کوچه و خیابان» معروف است. رسانه‌های گروهی مخصوص نوجوانان آنان را به لحاظ فکری به هم پیوند می‌دهند. این مسئله سبب تضعیف پیوستگی جوانان با خانواده و افزایش اثر اجتماع همسالان بر

1. Grounded

2. Strauss and Corbin, J

3. Siril Smith

انتخاب اوقات فراغت آنان می‌شود. از آنجا که جوانان به دنبال کسب تجربه‌های جدید هستند و ذوق و سلیقه‌های تازه را می‌جویند، در انتخاب فراغت کمتر از الگوهای پایدار و ثابت پیروی می‌کنند و خواستار تنوع در اوقات فراغت هستند. فرهنگ خاص جوانان بیشتر به فعالیت‌های لذت‌بخش گرایش دارد و گاه فراغت آنان با عکس‌العمل‌های اعتراض‌آمیز فرهنگ حاکم جامعه، توأم می‌شود. از دیگر ویژگی‌های این فرهنگ، مقابله با نظام صنعتی است که جوانان را به رقابت و تلاش برای زندگی فرا می‌خواند و شدت رقابت و میزان توفیق روزبه‌روز بیشتر و دشوارتر می‌شود. حرکت اعتراض‌آمیز آنان گاه به شکل مقابله با روابط نژادی و گاه به صورت آرزوی زندگی ساده‌تر و صمیمانه‌تر در روزگاران گذشته بروز می‌کنند. این فرهنگ در برخی موارد توانسته بر فرهنگ بزرگسالان اثر بگذارد و آنان را به سوی موسیقی عامیانه محبوب جوانان و گاه مدل‌های لباس و آرایش خاص جذب کند. طرفداران این نظر اعتقاد دارند که اثر خرده‌فرهنگ خاص جوانان بر اوقات فراغت بیش از خانواده و مدرسه است (فرید فتحی و همکاران، ۱۳۹۱). در مورد دیدگاه نقش و پایگاه، ویلیام گود^۱ در کتاب خانواده می‌نویسد:

از این دیدگاه، نوجوانی یک دوره گذار ناپایدار از مراحل مختلف پایگاه اجتماعی است که هر فردی باید طی کند. چون این دوره کوتاه و موقت است، نوجوان نمی‌داند الگوی رفتاری مناسب چیست و از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند. با ورود به دبیرستان یا دانشگاه، آزادی بیشتری احساس می‌کند اما در پایان دوره دبیرستان هم وقت او صرف رقابت برای ورود به آموزش عالی و کسب شغل می‌شود. این موقعیت به شدت بر اوقات فراغت او تأثیر می‌گذارد و آن را کاهش می‌دهد. چنانچه نوجوان وارد آموزش عالی نشود و به کاری تمام وقت بپردازد ناچار از آن است که فراغت برای او فراهم می‌شود. در این دیدگاه دختران کمتر وارد بازار کار می‌شوند و بیشتر در

خانه می‌مانند و به کارهای خانه مشغول می‌شوند و در این شرایط دختران طبقات متوسط و بالا راحت‌تر می‌توانند در باشگاه‌های مختلف عضو شوند و یا برای فراغت خود برنامه‌ریزی کنند (مومندی، ۱۳۸۰: ۴۵).

نظریه‌پردازان گروه سوم، دوره نوجوانی را یک دوره موقت و ناپایدار به لحاظ نقش و پایگاه می‌دانند و نظریه اجتماعی شدن، فراغت را جزئی از مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که از طریق آن ایستارها و آموخته‌های لازم برای ورود به دوره بزرگسالی باید آموخته شود. پارکر^۱ نظریه اجتماعی کردن را به نقل از دبلیو والر^۲ در کتاب خانواده چنین نقل می‌کند:

در این دوره نوجوان از طریق خانواده و عضویت در سایر نهادهای اجتماعی نظیر مدرسه و باشگاه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. خانواده از طریق برخی متغیرها مثل تمام‌وقت درس خواندن یا زندگی کردن فرزند با خانواده یا عدم استقلال مالی فرزند بر میزان و نحوه فراغت فرزندان اثر می‌گذارد. دین و مدرسه هم بر ایستارها و عادات فراغتی جوانان اثر می‌گذارند. این دو نهاد در اجتماعی کردن ممکن است با تضادهایی روبرو شوند، چون باید هم به نیازهای جوان و هم به توقعات جامعه و رهبران اخلاق پاسخ دهند. فرآیند اجتماعی کردن در فاصله کمتر میان نهادها آسان‌تر خواهد بود (همان: ۴۴).

نظریه‌های بزهکاری: نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی برای گسترش رفتارهای بزهکارانه توسط جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه‌های تربیتی و روان‌شناسی مطرح شده است. عواملی که مورد توجه قرار گرفته‌اند شامل فشارهای اجتماعی، کنترل اجتماعی (بارون و همکاران^۳، ۲۰۰۷)، شکست تحصیلی (والکر و همکاران^۴، ۱۹۹۹)،

1. Parker
2. W. Waller
3. Baron
4. Walker

محیط خانوادگی (وون^۱، ۲۰۰۱)، اوقات فراغت ملال‌انگیز (کلی و همکاران^۲، ۲۰۰۴)، کنش متقابل نمادین و هویت اجتماعی (بونفیل و تامپسون^۳، ۲۰۰۵) است.

نظریه فشارهای اجتماعی بیان می‌کند که نوجوانان به هنگامی که نتوانند از مجاری مشروع آنچه را که می‌خواهند به دست آورند، به بزهکاری روی می‌آورند. آن‌ها احساس ناکامی کرده و نسبت به کسانی که در اطرافشان هستند، خشونت خواهند داشت. عمده‌ترین تبیین بر پایه نظریه فشار در مورد رابطه اوقات فراغت و بزهکاری این است که به لحاظ اجتماعی، اوقات فراغت روزنه‌های قابل قبولی را برای ناکامی که توسط جهان غیرفراغتی تولید شده است، فراهم می‌سازد. تبیین دومی که بر مبنای نظریه فشار بیان شده است این است که نوجوانان نیاز به فراغت و یا به طور عام‌تر به هیجان و سرگرمی دارند. اگر نوجوانان قادر نباشند که این نیازها را از طریق کانال‌های به لحاظ اجتماعی پذیرفته‌شده ارضا کنند، ممکن است که برای ارضای آن از طریق مجاری بزهکارانه عمل نمایند (اگنیو^۴، ۱۹۸۹).

نظریه کنترل اجتماعی بر این باور است که بزهکاری نتیجه فقدان پیوندهای اجتماعی بین جوانان و یک یا چند نهاد متعارف مؤثر همچون والدین، معلم‌ها به عنوان مدل‌های نقشی، مدرسه و یا برنامه‌های اجتماعی به عنوان خطوط متعارف فعالیت‌ها می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۰). مدل شکست تحصیلی بر این اعتقاد است که رفتار ضد اجتماعی به‌واسطه پیشرفت تحصیلی ضعیف رخ می‌دهد (کلی و فیلیپس^۵، ۲۰۰۹). نظریه اوقات فراغت ملال‌انگیز مدعی است که وقتی تهییج، چالش و یا تحریک شدن به طریقی که به لحاظ اجتماعی مورد تأیید نیست رفع نشود، نوجوانان احتمالاً درگیر در رفتارهای بزهکارانه می‌شوند (پترسون^۶، ۲۰۰۰). نظریه پردازان کنش متقابل

-
1. Kwon
 2. Leisure boredom theory
 3. Kelly
 4. Agnew
 5. Philips & Kelly
 6. Patterson

نمادین جرم و بزهکاری به دوران مید و کولی برمی‌گردند و تأکید بر اهمیت هویت یا خودپنداره به عنوان پیش‌بینی‌کننده مهم رفتار دارند (براونفیلد و تامپسون، ۲۰۰۵). مدل فشار اجتماعی مدعی است که نوجوانان، به‌خصوص نوجوانان پایگاه‌های اجتماعی پایین‌تر هنگامی به رفتارهای بزهکارانه می‌پردازند که از طریق کانال‌های به لحاظ اجتماعی مشروع نتوانند نیازهای خودشان را برآورده سازند (اگنیو، ۱۹۸۹).

به طور کلی می‌توان گفت براساس نظریه خرده‌فرهنگ جوانان، جوانان با ورود به محیط دانشگاه و فقدان کنترل اجتماعی والدین و خانواده به ایجاد روابط دوستانه با افراد هم‌اتاقی و هم‌خوابگاهی اقدام می‌نمایند تا با محیط جدید و غربت ایجاد شده به گونه‌ای کنار بیایند و روابط دوستانه شکل گرفته و نفوذ ناشی از آن به مرور زمان ممکن است که به تضعیف هنجارهای خانواده و جامعه ختم گردد. افراد مورد مطالعه همچنین به دور بودن از کنترل خانواده و عدم نظارت آنان اشاره کرده‌اند که این موضوع باعث فراهم شدن و ترغیب آنان به سمت شیوه‌های فراغتی جدیدی همچون حضور در کافه‌ها و مصرف سیگار شده است. مصاحبه‌های صورت گرفته نشان می‌دهد؛ همان‌گونه که ویلیام گود اظهار می‌دارد؛ یکی دیگر از عوامل زمینه ساز، وجود زمان‌های آزاد بسیاری است که دانشجویان در این مواقع از فعالیت‌های درسی فارغ هستند اما در پر کردن این اوقات سرگردان هستند در نتیجه در جمع‌های شبانه و گروهی شرکت می‌کنند که معمولاً دوستان مشترک بانی آن هستند و در نقش همان رسانه‌هایی ظاهر می‌گردند که از نگاه نظره خرده فرهنگ، ترویج‌دهنده و محور اتصال نوجوانان و فرهنگ کوچه و خیابان می‌باشد؛ در این دیدارها شیوه‌های اوقات فراغتی خاصی شکل می‌گیرد که سیگار و گاهی مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی خاص، در آن نمود بیشتری دارد از طرف دیگر و همسو با نظریه فشارهای اجتماعی، در مواردی که لذت و هیجانات فردی و گروهی افراد به دلایلی مختلفی از جمله فقدان یا نبود امکانات ورزشی و فراغتی در محیط خوابگاه مخصوصاً تعطیلی این امکانات در شب، به خوبی

ارضا نمی‌گردد و شیوه‌هایی همچون مصرف سیگار و قلیان به عنوان جایگزینی برای رفع این هیجانات ظاهر می‌شود. در واقع همان‌گونه که دانشجویان مورد تحقیق نیز به آن اشاره دارند و در نظریه‌ها نیز آمده عدم امکانات کافی ورزشی و فراغتی در دانشگاه برای سپری کردن مناسب این اوقات، باعث تحریک این گروه برای رفتن به سمت راه‌های آسیب‌زا از جمله سیگار کشیدن برای گذران اوقات بیکاری آنان می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی، مربوط به منطق تحقیق اجتماعی است. به عبارتی روش‌شناسی درگیر این سؤال است که چگونه معرفت و دانش خود را اعتباریابی کنیم (ایمان، ۱۳۹۱: ۵۴). این پژوهش با توجه به موضوع بررسی خود، که شناسایی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد به سیگار دانشجویان است، از روش‌شناسی کیفی، نظریه زمینه‌ای استفاده می‌کند (اشتروس و کوربین، ۱۹۹۸). همان‌گونه که اشتروس و کوربین می‌گویند: «روش‌های کیفی را می‌توان برای به دست آوردن جزئیات ظریف از پدیده‌هایی نظیر احساس، فرایندهای ذهنی و هیجاناتی به کار گرفت که آموختن درباره آن‌ها با استفاده از روش‌های متعارف پژوهشی دشوار است» (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۳). در روش نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. در این شیوه، محقق ترجیح می‌دهد با حوزه‌ای از مطالعه شروع کند و اجازه می‌دهد نظریه به وسیله داده‌ها خلق شود (اشتروس و کوربین، ۱۹۹۸).

در تحقیق حاضر ملاک‌های اخلاقی همچون پیشگیری از آسیب قانونی، رضایت آگاهانه، رعایت حریم شخصی، حفظ گمنامی و رازداری مورد ملاحظه قرار گرفت. به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که گفته‌های آن‌ها سبب به وجود آمدن مسئله‌ای قانونی برای آن‌ها نشود. برای به دست آوردن رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان، تنها باکسانی مصاحبه انجام شد که رضایت کامل برای مصاحبه کردن داشتند و اطلاعاتی نظیر موضوع پژوهش، هدف و شیوه انجام تحقیق، تضمین گمنامی، تضمین رازداری،

۱۹۲ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۵

نحوه گزارش تحقیق در اختیار آن‌ها قرار داده شد. برای حفظ معیار گمنامی از اسامی مستعار بجای آوردن نام آن‌ها استفاده شده است و برای حفظ معیار رازداری از انتشار اطلاعات خصوصی مشارکت‌کنندگان جلوگیری شد.

بازنمایی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد ... ۱۹۳

جدول ۱- فهرست مشارکت‌کنندگان (نمونه)

ردیف	سن	مدت مصرف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	ردیف	سن	مدت مصرف	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی
۱	۱۹	۱ ماه	کارشناسی	پژوهش اجتماعی	۲۶	۲۵	۳ سال	کارشناسی ارشد	ادبیات فارسی
۲	۲۱	۳ سال	کارشناسی	ادبیات فارسی	۲۷	۲۳	۱ سال	کارشناسی ارشد	اقتصاد
۳	۲۱	۳ ماه	کارشناسی	مهندسی صنایع	۲۸	۲۸	۶ سال	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی
۴	۱۹	۱ ماه	کارشناسی	کامپیوتر	۲۹	۲۱	۲ سال	کارشناسی	مهندسی عمران
۵	۲۰	۱ سال	کارشناسی	مردم‌شناسی	۳۰	۲۲	۱ سال	کارشناسی	مدیریت دولتی
۶	۲۴	۶ سال	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی	۳۱	۲۱	۳ سال	کارشناسی	مهندسی عمران
۷	۴۲	۳۱ سال	کارشناسی ارشد	شیمی	۳۲	۲۱	۳ ماه	کارشناسی	فناوری اطلاعات
۸	۲۶	۱۴ سال	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی	۳۳	۲۱	۲ سال	کارشناسی	حسابداری
۹	۲۷	۶ سال	کارشناسی ارشد	محیط زیست	۳۴	۲۱	۵ سال	کارشناسی	اقتصاد بازرگانی
۱۰	۳۱	۹ سال	کارشناسی ارشد	ادبیات	۳۵	۱۹	۴ ماه	کارشناسی	مردم‌شناسی
۱۱	۳۰	۴ سال	کارشناسی ارشد	علوم سیاسی	۳۶	۱۹	۱ سال	کارشناسی	تاریخ

۱۹۴ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۵

۱۲	۲۱	۱ سال	کارشناسی	مدیریت دولتی	۳۷	۲۲	۲ سال	کارشناسی	فیزیک
۱۳	۲۱	۳ سال	کارشناسی	معماری	۳۸	۲۴	۱ سال	کارشناسی	هنر
۱۴	۲۰	۱ سال	کارشناسی	مهندسی عمران	۳۹	۲۰	۵ ماه	کارشناسی	شهرسازی
۱۵	۲۶	۷ سال	کارشناسی ارشد	مهندسی راه	۴۰	۲۳	۵ سال	کارشناسی	نرم افزار
۱۶	۲۰	۱ سال	کارشناسی	مهندسی برق	۴۱	۱۹	۱ سال	کارشناسی	مهندسی برق
۱۷	۲۲	۸ ماه	کارشناسی	جغرافیا	۴۲	۲۶	۴ سال	کارشناسی ارشد	علوم سیاسی
۱۸	۳۳	۵ سال	کارشناسی ارشد	شیمی	۴۳	۲۹	۶ سال	کارشناسی ارشد	مهندسی معدن
۱۹	۲۷	۸ سال	کارشناسی ارشد	نقاشی	۴۴	۳۶	۱۲ سال	کارشناسی ارشد	مهندسی راه
۲۰	۲۲	۲ سال	کارشناسی	کامپیوتر	۴۵	۲۵	۳ سال	کارشناسی ارشد	مهندسی معدن
۲۱	۲۸	۶ سال	کارشناسی ارشد	شیمی فیزیک	۴۶	۲۱	۱ سال	کارشناسی	نرم افزار
۲۲	۲۰	۶ ماه	کارشناسی	برنامه‌ریزی شهری	۴۷	۳۲	۵ سال	کارشناسی ارشد	علوم تربیتی
۲۳	۱۸	۲ ماه	کارشناسی	مردم‌شناسی	۴۸	۲۰	۱ سال	کارشناسی	روان‌شناسی
۲۴	۳۲	۷ سال	کارشناسی ارشد	مدیریت	۴۹	۲۱	۲ سال	کارشناسی	تاریخ
۲۵	۲۷	۳ سال	کارشناسی ارشد	زیست	۵۰	۲۲	۳ سال	کارشناسی	کویرشناسی

مشارکت‌کنندگان این مطالعه را ۵۰ نفر از دانشجویان پسر خوابگاهی مصرف‌کننده سیگار دانشگاه یزد تشکیل می‌دهند. بررسی نافذ و عمیق دلایل و بسترهای گرایش آنها به سیگار، لزوم بررسی کیفی این مسئله را برای محققان این پژوهش ایجاب کرده است. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شده است. در میان راهبردهای دهگانه‌ای که پاتن^۲ (۲۰۰۱) مطرح کرده است، راهبرد نمونه‌گیری با حداکثر تنوع^۳ و نیز گلوله‌برفی^۴ به کار رفته است. در نهایت با استفاده از معیار اشباع نظری درباره تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد.

فنون گردآوری و تحلیل داده‌ها

در پژوهش‌های کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی، روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار نمی‌رود و فرضیه‌ای نیز از پیش برای آزمون نداریم. در مطالعات زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با یکدیگر همراه می‌شوند تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کنند (اشتروس و کوربین، ۱۹۹۸). روش اصلی در اینجا برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته بوده است. مصاحبه به طور خاصی با شیوه‌های نظریه‌ی زمینه‌ای تناسب دارد. در تحقیق حاضر در آغاز کار برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه گفت‌وگویی غیررسمی استفاده شد. بعد از اینکه مفاهیم و مقوله‌های اولیه آشکار شدند، با استفاده از رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شدند. اینکار در جهت نمونه‌گیری نظری نیز انجام می‌شود و با ماهیت روش نظریه زمینه‌ای سازگاری بالایی دارد. پس از اینکه خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، به طراحی مجموعه

-
1. Purposive sampling
 2. Patton
 3. Maximum variation sampling
 4. Snowball sampling

سؤالات باز پرداختیم و این فرایند تا مرحله‌ی اشباع نظری ادامه پیدا کرد. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه‌ی زمینه‌ای برمبنای سه شیوه‌ی کدگذاری است: ۱. کدگذاری ۲. کدگذاری محوری^۲ و ۳. کدگذاری گزینشی^۳ (همان). پس از انجام این مراحل، مسئله اصلی و محوری در یکپارچگی، رسیدن به مقوله‌های محوری است که از آن با عنوان مقوله اصلی نام می‌برند. مقوله اصلی از تمام مقولات تحقیق استخراج شده است و می‌تواند در چند کلمه خلاصه شود؛ به طوری که تمام مقوله‌ها و مفاهیم به دست آمده را پوشش دهد. یکی از امتیازهای نظریه زمینه‌ای استفاده از ابزاری تحلیلی به نام پارادایم است. پارادایم باعث سازماندهی یافته‌ها و نهایتاً افزایش قدرت تبیین آن می‌شود.

قابلیت اعتماد^۴

کارهای کیفی هم چون کارهای کمی به ارزیابی یافته‌ها، روشهای تحلیل، ابزارهای به کار رفته و به طور کلی کارهای محقق نیاز دارد. در اینجا برای کسب اطمینان از صحت داده‌ها، منابع آن و روش جمع‌آوری داده‌ها از چند روش استفاده کردیم: ۱. ممیزی^۵ ۲. بررسی توسط اعضا^۶ و ۳. مقایسه‌های تحلیلی^۷. در روش ممیزی دو محقق به منزله ممیز بر مراحل انجام کار، مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده و فرایندهای کدگذاری سه‌گانه و نیز ساخت مقوله محوری نظارت داشتند. در شیوه بررسی توسط اعضا، از مشارکت‌کنندگان (در اینجا دانشجویان) خواسته شد تا مضامین و مقوله‌ها را ارزیابی کنند و درباره صحت آنها نظر بدهند. در این مرحله تقریباً تمام مقولات به تأیید

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding
 4. Trustworthiness
 5. Auditing
 6. Member Check
 7. Analytical Comparison

مشارکت‌کنندگان رسید. در روش سوم، یعنی مقایسه‌های تحلیلی، به داده‌ها رجوع کردیم و ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه شد تا از صحت نظریه به دست آمده اطمینان حاصل شود.

یافته‌های پژوهش

این تحقیق نقش اوقات فراغت دانشجویی را در اعتیاد به سیگار در میان دانشجویان شناسایی کرده است. چنان که در جریان تحلیل و کدگذاری داده‌های اثر، از طریق کدگذاری باز، تعداد ۱۷ کد استخراج شد شامل: آزادی در گذراندن اوقات فراغت، طغیان فراغتی، محدودیت وسایل ورزشی، نداشتن سالن سرپوشیده، مصرف قلیان در قهوه‌خانه، قهوه‌خانه بهانه دور هم بودن، خوابیدن‌های درازمدت، تنهایی سپری کردن اوقات، بازی رایانه‌ای، بیکاری مفرط، تماشای فیلم طولانی مدت، اعتیاد اینترنتی، ورق بازی کردن، سیگار کشیدن، مصرف قلیان، مصرف پپ، خانه دانشجویی زیست مکان مصرف می‌باشد. که از طریق کدگذاری محوری، تعداد ۵ مقوله اصلی بیرون آمد: نبود نظارت خانواده، محدودیت امکانات ورزشی دانشگاه، تفریح قهوه‌خانه‌ای، فراغت منفعلانه و مصرف دخانیات. این مقوله‌ها با تلخیص تحلیلی و کدبندی‌گزینشی نظریه زمینه‌ای، مقوله هسته‌ای تحقیق با عنوان «اوقات فراغت بستر بروز رفتار مصرف‌محور» را آشکار ساخت. برای رعایت اصل اخلاقی محرمانه بودن اطلاعات، در بیان نقل قول‌های شرکت‌کنندگان از اسامی مستعار استفاده می‌شود.

نبود نظارت خانوادگی

همواره خانواده نقش مهمی در تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان داشته و این نظارت خانواده است که فرزندان را در مسیری درست قرار داده و آنان را از گزند بسیاری از انحرافات اجتماعی دور نگاه می‌دارد. کنترل و هدایت فرزندان از سوی والدین در همه

حوزه‌های زندگی مشاهده می‌شود و اوقات فراغت و نحوه گذراندن آن یکی از حوزه‌های مهم و مورد توجه والدین است. به طبع در خانواده معمولاً با محدودیت‌هایی برای گذراندن اوقات فراغت رو به رو هستند. دانشگاه و قبولی در شهری غیر از شهر محل زندگی خود زمینه‌های رهایی از کنترل خانواده را برای این افراد فراهم می‌کند. ایمان ۲۲ ساله یکی از دانشجویانی است که از محدودیت در خانواده و آزادی خود پس از قبولی در دانشگاه سخن می‌گوید و این فرصت دوری از نظارت خانواده را برای گذران اوقات فراغت خود، فرصتی مناسب می‌داند:

«تا وقتی توی خونه بودم هر کاری می‌خواستم بکنم و هر جایی می‌خواستم با دوستانم برم تفریح، بابام گیر می‌داد و نمی‌ذاشت برم و عین بچه کوچولوها رفت‌وآمد رو کنترل می‌کرد، حالا که قبول شدم دانشگاه دیگه بابایی نیست که گیر بده، هر تفریحی که بخوام می‌کنم و بهترین فرصته برام تا بتونم برا خودم خوش باشم».

پوریا ۲۷ ساله دانشجوی کارشناسی ارشد از طغیان در نحوه گذران اوقات فراغت خود می‌گوید و این موضوع را عامل مهم سیگاری شدن خود می‌داند:

«فقط دنبال این بودم یه جایی قبول شم که از خونه بزنم بیرون، انگیزه درس خوندن و قبولی تو دانشگاه فقط آزاد شدن از خونه بود؛ قبول شدم و همون ماه اول خواستم هر چی تفریح که توی اون ۱۸ سال از زندگی رو نداشتم رو یک‌دفعه تجربه کنم، از بیرون رفتن شبانه با دوستا بگیر و قلیون کشیدن و خلاصه خواستم هر کار دلم می‌خواد بکنم و بعد یک ماه اولین نخ سیگارم رو تو خوابگاه برای تفریح و خوش‌گذرونی کشیدم».

کنترل و محدودیت‌های شدید خانوادگی در مواردی باعث ایجاد انگیزه رهایی از این محدودیت در میان فرزندان شده و با فراهم شدن بستر آزادی، نوعی طغیان در گذراندن اوقات فراغت در میان جوانان را به همراه خواهد داشت.

کمبود امکانات ورزشی

ورزش یکی از مهم‌ترین و در واقع مؤثرترین راه برای گذراندن اوقات فراغت محسوب می‌شود که آثار زیادی بر جسم و روان فرد و در حوزه اجتماع نیز نشاط اجتماعی را در پی دارد. دانشجویان در ساعاتی غیر از کلاس، اوقات بیکاری طولانی مدتی را تجربه می‌کنند که در کنار فعالیت‌های درسی، نیاز به اوقات فراغت سالم یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی است که باید به آن توجه شود. ورزش کردن در اوقات فراغت، با توجه به جوان بودن این گروه، یکی از مهم‌ترین و بهترین راه‌های گذراندن اوقات فراغت است. حامد ۲۲ ساله یکی از مشارکت‌کنندگانی است که تجربه مصرف سیگار را دارد و پس از حضور سه ساله خود در دانشگاه، از امکانات پایین خوابگاه برای ورزش کردن سخن می‌گوید. او در بررسی عوامل زمینه‌ساز مصرف سیگار خود را کمبود امکانات ورزشی مناسب برای سپری کردن اوقات فراغت دانست.

«قبل اینکه پیام دانشگاه و توی محیط خوابگاه قرار بگیرم، عاشق ورزش کردن بودم و همیشه با دوستانم می‌رفتیم باشگاه و سالن فوتبال هفته‌ای سه روز مسابقه داشتیم. دوست داشتم برم سالن ولی خوابگاه که سالن برای فوتبال بازی کردن نداره و همیشه باید توی اتاق بیکار بشینی و همیشه که همش درس بخونی، حوصلت سر میره. من رو همین بیکاری توی اتاق خوابگاه سیگاری کرد و چون هیچ کاری برای انجام دادن نداشتم».

نادر ۲۰ ساله که ۶ ماه است سیگار مصرف می‌کند نیز از علاقه‌مندی خود به ورزش و کمبود امکانات ورزشی می‌گوید:

«من خودم پینگ‌پنگ خیلی دوست دارم و بازی‌مم بد نیست، ولی یا باید خیلی زود بری سالن تنیس که اونم سه تا میز بیشتر نداره و گرنه

دیگه بهت نمیرسه بازی کنی، چون بچه‌ها خیلی زیادن. سه تا میز
بینگ‌پنگ مال پنج هزار نفره، اونم که راکتاش خرابه».
مهدی ۳۲ ساله از دانشجویان کارشناسی ارشد است که در مورد امکانات ورزشی
خوابگاه این‌طور سخن می‌گوید:

«امکانات ورزشی کمی برا دانشجوهاست، توی این هوای سرد
چطوری میشه بری والیبال بازی کنی. بیشتر دانشجوها به ورزش خیلی
علاقه دارن ولی امکاناتش نیست. زمستون اصلاً نمیشه بری تو فضای
آزاد ورزش کنی، سرما می‌خوری. خوابگاه هم که سالن نداره بریم
والیبال بازی کنیم. شما جای این بچه‌ها باشی صبح تا شب بیکار باشی
چیکار میکنی؟ حالا فکر کن کسی هم نباشه مراقبت باشه، مثل خانواده،
به‌راحتی وقتی بیکار باشی هزارتا فکر میاد تو سرت، سیگار کشیدن فقط
یکی از این فکره‌است».

تفریح قهوه‌خانه‌ای

با توجه به مشاهدات پژوهشگر در طول انجام پژوهش و اظهارات مشارکت‌کنندگان،
یکی از رایج‌ترین مکان‌ها برای سپری کردن اوقات فراغت در بین دانشجویان،
به‌خصوص دانشجویان مصرف‌کننده سیگار، کافی‌شاپ‌ها و قهوه‌خانه‌ها است. با بررسی
قهوه‌خانه‌های سنتی ایرانیان در گذشته با کافه‌های سنتی جدید می‌توان شاهد تغییرات
کاملاً محسوسی در این زمینه بود. قهوه‌خانه‌ها در گذشته محل تجمع افراد مسن و
معروف و سرشناس، همچون پهلوانان، بزرگان محل، ریش‌سفیدان، لوطیان، شاعران،
ادیبان و مکانی برای خوردن چای خوش‌طعم ایرانی، نشر افکار، اخبار اجتماعی و
سیاسی، نقالی و شاهنامه‌خوانی به‌شمار می‌رفت و در میان مردم نقشی فرهنگی و
اعتباری داشت و جایی برای جوانان در قهوه‌خانه نبود و جوانان حتی اجازه ورود به

قهوه‌خانه‌ها را نداشتند، در صورتی که اگر نیم‌نگاهی به قهوه‌خانه‌ها، به زبان ساده‌تر کافه سنتی‌های فعلی بیندازیم، سراسر میزها را که برانداز کنیم، صندلی‌ها را جوانان پر کرده‌اند و مشغول خوردن چای و کشیدن قلیان هستند. این اولین جمله‌ای است که وقتی به قهوه‌خانه‌های سنتی وارد می‌شویم می‌بینیم: «عاشقی را باید از قلیان آموخت، آتشی بر سر، اشکی بر دل و آهی به دامن دارد». عده‌ای در گوشه‌ای از اتاق‌های کافه سنتی کز کرده‌اند و انبوهی از دود قلیان به عمیق‌ترین رگه‌های خونشان می‌ریزند تا شاید بتوانند از این طریق مهر تأییدی بزنند بر سر مردانگی خویش (حسن‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد مهم‌تر از کمبود امکانات ورزشی، باید به نقش قهوه‌خانه‌ها و مصرف قلیان در زمینه‌سازی مصرف سیگار در میان جوانان، به‌خصوص دانشجویان، اشاره کرد. غالب مشارکت‌کنندگان یا بهتر بگوییم همه دانشجویان مورد مطالعه که سیگار مصرف می‌کردند، تجربه مصرف قلیان را در گذشته داشته و اکنون نیز قلیان می‌کشند. این دانشجویان اوقات بیکاری خود را با حضور در قهوه‌خانه‌ها و دور هم جمع شدن‌های دوستانه سپری می‌کنند.

حمید دانشجوی ۲۲ ساله که ترم هشت کارشناسی را می‌گذراند، در رابطه با اوقات فراغت خود و نحوه گذراندن آن در قهوه‌خانه این‌طور می‌گوید:

«کار خاصی که نیست بکنیم، از بیهوده گشتن تو خیابان و ولگردی هم که خسته شدیم، میریم قهوه‌خونه با بچه‌ها دور هم می‌شینیم و قلیون سفارش می‌دیم؛ این جوری وقتمون هم می‌گذره، کسی هم بهمون کاری نداره و همه کسایی هم که میان اینجا مثل هم هستن، اکثراً جوان هستن، شما آدم سن بالا پیدا نمیکنی اینجا و خویش همینه».

آرش مشارکت‌کننده ۲۷ ساله که ۹ سال سابقه مصرف سیگار را داشته و به‌گفته خودش تجربه مصرف تریاک را نیز دارد، در رابطه با فضای قهوه‌خانه و لزوم مصرف قلیان این‌طور صحبت می‌کند:

«بین تنها جایی که برا ما جوونا فراهمه که دور هم بشینیم و بخندیم و راحت باشیم، قهوه‌خونه است، قهوه‌خونه هم که بری امکان نداره قلیون نکشی اگر قلیونی هم نباشی؛ قلیونی میشی چون عین یه قانونه که میری کافه باید قلیون سفارش بدی، چون همه اونجا قلیون می‌کشن؛ قیمتش هم اینقدر ارزونه که راحت میتونی با سفارش یک قلیون دو ساعت وقتتو بگذرونی».

نیما دانشجوی ۱۸ ساله‌ای که ترم اول دوران کارشناسی را آغاز کرده از تجربه اول مصرف قلیان خود در قهوه‌خانه‌های سنتی می‌گوید و آن را عامل اصلی مصرف سیگار خود می‌داند:

«من تازه یک ماه می‌شه که سیگار کشیدن رو شروع کردم. روزای اولی که اومدم خوابگاه، دو تا از هم‌اتاقی‌هام هر آخر هفته یا هر شب می‌رفتن کافه به منم اصرار کردن که برم. تا اون موقع من لب به سیگار نزده بودم، قبلش یکی دوبار دوران دبیرستان قهوه‌خونه رفته بودم؛ دیگه همین‌جوری منم باهاشون قلیون می‌کشیدم و چند وقت پیش تو قهوه‌خونه شروع کردیم سیگار کشیدن و الان همه تفریح ما سیگار کشیدن شده».

یکی از مشارکت‌کنندگان نیما است که ۲۱ سال سن دارد و به شکسته شدن قبح مصرف قلیان اشاره می‌کند و مصرف تفریحی قلیان را بخشی جدایی‌ناشدنی از اوقات فراغت خود می‌داند:

«الان دیگه قلیون کشیدن زیاد بد نیست و دید بد بهش کم شده، همه الان تو خونه‌ها یکی‌یه قلیون دارن و برای ما قلیون یه حالت تفریحی و معمولی داره و با قلیونه که ما دور هم جمع می‌شیم. اگه

قلیون نبود نمی‌دونستیم چی مارو دور هم جمع می‌کرد و یکم از دغدغه‌های درسی راحت می‌شدیم. کدوم تفریح و مکان رو داریم که بریم اونجا یکم خوش باشیم و استرسامون بریزه، فقط مجبوریم وقتی بیکاریم بریم کافه یه قلیونی بکشیم و الکی خوش باشیم».

فراغت منفعلانه

از مقوله‌های مهم به‌دست‌آمده از تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های این پژوهش، منفعلانه سپری کردن اوقات فراغت دانشجویان است. این مقوله دامنه وسیعی از بیهوده سپری کردن اوقات فراغت دانشجویان را نشان داده و تصویری از این دامنه وسیع زمانی اوقات بیکاری دانشجویان را نمایان می‌سازد. تجربه حضور پژوهشگر در محیط خوابگاه و در اتاق‌های دانشجویان، اوقات طولانی‌مدت خوابیدن، تماشای فیلم به‌صورت مستمر و بیداری‌های شبانه تا صبح و خیابان‌گردی‌های آخر شب و مصرف دخانیات، از مواردی است که در میان دانشجویان دیده می‌شود. طیف بالای مفاهیم و مقولات مربوط به فراغت منفعلانه نشان از رواج بالای این‌گونه سپری شدن فراغت در میان دانشجویان است.

میلاد دانشجوی ۲۶ ساله کارشناسی ارشد در رابطه با سپری کردن اوقات فراغت خود به نکات قابل تأملی اشاره دارد:

«هیچ تفریحی جز خوابیدن نداریم، فقط باید بخوابیم. زمانی که بیداریم، کاری نداریم انجام بدیم. تموم تفریح ما رفتن تا بازار یه دوری زدن و برگشتنه. بهترین اوقات فراغتم اینه که تا صبح بشینیم فیلم ببینیم، با هم و یه قلیونی تو اتاق بکشیم و فرداشم با بچه‌ها تا لنگ ظهر تا قبل نهار بخوابیم».

رامین در تبیین اوقات فراغت خود علاوه بر ذکر موارد فوق، به مصرف شبانه سیگار اشاره دارد و بهترین لحظات سپری کردن اوقات فراغت خود را سیگار کشیدن شبانه می‌داند: «بهترین تفریح تو تنهایی اینه که یه جای دنج بشینم و بتونم سیگارم رو بکشم. نه حال تفریح دارم نه حوصله این کارا رو، تفریح من سیگار کشیدن شبانه». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان حسام ۳۱ ساله است که بیشتر اوقات فراغت خود را مشغول وب‌گردی و سپری کردن در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و یا ورق‌بازی کردن با دوستان است:

«کار من و خیلی از دوستانم اینه که یا پشت لپ‌تاپ تو اینترنت مشغول وب‌گردی هستیم و یا زیر پرز گوشه‌هایمون به شارژ و صبح تا شب داریم چت می‌کنیم تو واتساپ و تلگرام. اینقدر زیاد شده این چت‌کردنمون که دیگه از غذا خوردن افتادیم و معتادش شدیم. موقعی هم که تو اینترنت نباشیم می‌شینیم آخر شب پای ورق بازی کردن تا صبح نمی‌دونیم کی صبح شده».

با توجه به مصاحبه‌های تحقیق و اظهارات مشارکت‌کنندگان نحوه منفعلانه گذراندن اوقات فراغت، نمایشی از حرکت دانشجویان به سمت مصرف دخانیات است.

مصرف دخانیات

مصرف سیگار و قلیان که در واقع می‌توان گفت نتیجه مدیریت نکردن درست و سپری شدن نامناسب اوقات فراغت در میان دانشجویان است که از شیوع بالایی در میان دانشجویان برخوردار است. دانشجویان مورد مطالعه میزان بالایی از اوقات بیکاری خود را صرف کشیدن قلیان و سیگار کرده و در مواردی اعتیاد بالای سیگار در میان آنان، زمینه مصرف موادمخدری همچون تریاک و حشیش را نیز فراهم کرده است. غالب دانشجویان مورد مطالعه، مصرف سیگار در اوقات فراغت را امری عادی دانسته و

بازنمایی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد ... ۲۰۵

وابستگی خود به آن را اظهار داشته‌اند. در این بین می‌توان به نقش خانه‌های دانشجویی به‌عنوان زیست‌مکانی برای مصرف اشاره کرد؛ خانه‌هایی که از هرگونه نظارتی به‌دور است و به‌نوعی به‌شکل طغیان ناشی از آزادی به‌دست‌آمده برای دانشجویان در آمده‌اند که این مسئله را می‌توان در سخنان آنان درک کرد.

هاشم مشارکت‌کننده ۲۵ ساله و دانشجوی کارشناسی ارشد، مصرف سیگار در محفل‌های دسته‌جمعی خود با دوستان را بیشترین عملی می‌داند که در زمان اوقات بیکاری و در آخر هفته‌ها به آن می‌پردازد.

«یکی از دوستانم خونۀ دانشجویی گرفته تو شهر، به حدی اونجا برامون لذت‌بخشه که نمی‌دونیم چیکار کنیم، انتظار می‌کشیم آخر هفته بشه بریم خونۀ دوستم. اونجا دیگه تا صبح بساط سیگار و قلیون فراهمه و کلی تفریح می‌کنیم برای خودمون و تنها تفریح ما آخر هفته‌ها شده پاتوق گرفتن خونۀ همین دوستم».

خانه‌های دانشجویی به زیست‌مکانی برای تفریح و مصرف دخانیات در میان دانشجویان تبدیل شده و در مواردی نیز زمینه مصرف موادمخدر را در میان دانشجویان فراهم می‌کند.

«خونۀ دانشجویی یعنی کیف کردن مطلق؛ از هفت دولت آزادی، کشیدن سیگار و قلیون تو خونۀ دوستم که دیگه خیلی عادی شده و بچه‌ها بعضی وقتا برای تنوع تریاک هم می‌کشن و به منم پیشنهاد دادن ولی من فعلاً شروع نکردم ولی واقعاً آدم تحریک میشه که یک بار تریاکم بکشه».

مصرف قلیان و سیگار و حتی در مواردی پپ، به‌دلیل دسترسی آسان جوانان تبدیل به تفریحی ارزان و آسان برای دانشجویان شده است. وقتی دانشجویان می‌گویند

که خرید سیگار بسیار آسان و کم‌هزینه است و در مورد قلیان و پیپ نیز وضعیت به همین گونه است، مصرف دخانیات ارزان‌ترین و راحت‌ترین راه برای گذراندن اوقات فراغت این گروه از جوانان می‌شود.

نریمان دانشجوی دوره دکتری با ۳۲ سال سن، ارزان بودن سیگار و دسترسی آسان به آن را دلیل مهمی برای مصرف سیگار می‌داند:

«سیگار رو از دوره ارشدم شروع کردم به کشیدن. منم با اصرار هم‌اتاقی‌هام برای تفریح و خوش‌گذرونی این کارو شروع کردم و کاملاً طبیعی که وقتی شما بیکار باشی و نتونی از وقتایی که مال اوقات فراغته استفاده کنی، خودبه‌خود کشیده میشی سمت چیزایی مث سیگار و قلیون که دیگه ماشالله بین دانشجویها مث نقل و نبات شده. من زیاد سیگار نمی‌کشم ولی یکی از دلیلای سیگاری شدن هم خودم و هم خصوصاً بیشتر بچه‌های کارشناسی، ارزون و راحت تهیه کردن سیگار. وقتی یه دانشجوی راحت سیگار می‌خره و این اندازشم کوچیکه که کسی نمی‌بینه و با یک کبریت روشن می‌شه، خب اونم خیلی راحت می‌ره سمتش».

هاشم دانشجوی ترم آخر کارشناسی با سابقه مصرف ۷ ساله سیگار، به مصرف تفریحی خود از دوران نوجوانی تا اکنون اشاره کرده و به عادی شدن مصرف سیگار به‌عنوان تفریح و تبدیل شدن آن به اعتیاد سخن می‌گوید:

«من از دوران دبیرستان شاید اول دبیرستان یا دوم بود شروع کردم سیگار کشیدن، اون موقع‌ها زیاد نمی‌کشیدم و بیشتر برای تفریح و تفننی بعد این‌که اومدم دانشگاه دیگه خانواده نبود و سیگار کشیدنم شد پای ثابت وقتایی که بیکارم و کم‌کم دیگه بهش معتاد شدم و نمی‌شه سیگار نکشم».

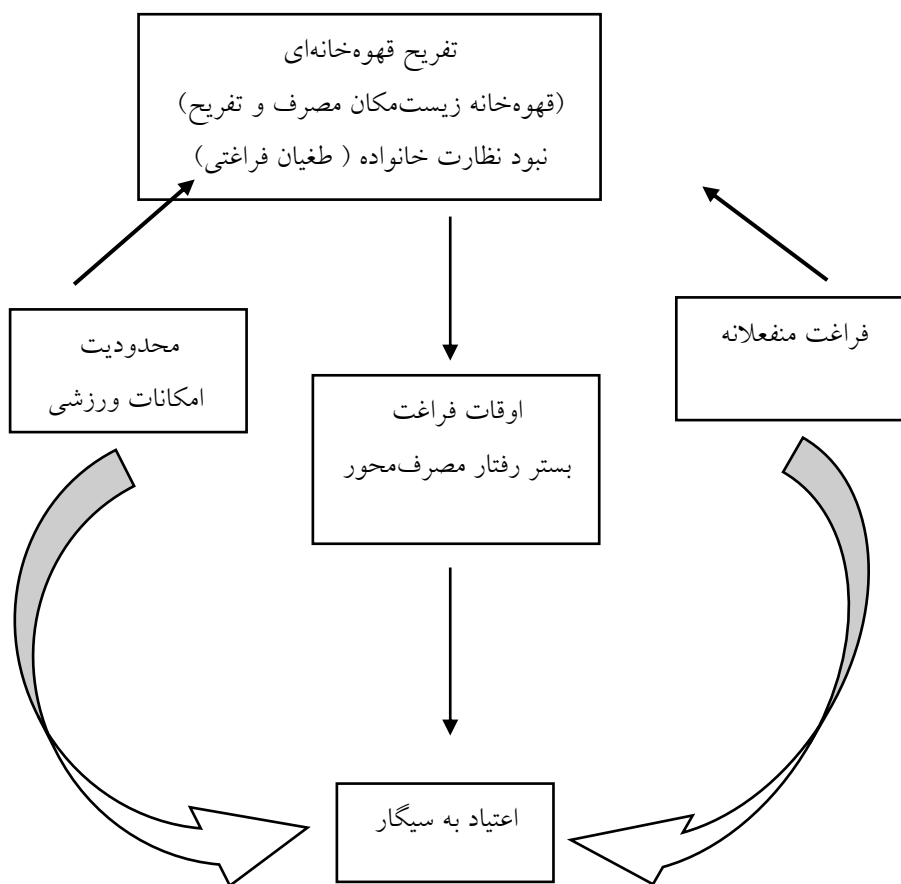
مصرف سیگار و قلیان، دانشجویان را به مصرف پپ و دیگر موارد نیز می‌کشاند و خود این امر زنگ خطری برای گرایش به مواد مخدر را در میان این گروه از جوانان که سرمایه‌های بی‌بدیل برای آینده جامعه محسوب می‌شوند، به صدا در می‌آورد. دانشجویی که در اوقات فراغت خود سیگار و قلیان مصرف می‌کند به تدریج این قبیل رفتارها برایش عادی شده و او را به سمت موارد متنوعی، از قبیل مصرف توتون با پپ و مواد مخدر، می‌کشاند. شاهرخ دانشجوی ۲۱ ساله‌ای است که خود را غرق در تفکرات تحریک‌کننده مصرف مواد مخدر می‌داند، می‌گوید:

«همه چی از کشیدن قلیون به صورت تفننی و دورهمی شروع شد. کم‌کم رفتم سمت سیگار کشیدن و یه مدته الان دارم با بچه‌ها پپ می‌کشیم و اینقدر قویه که سینمونو بدجور می‌سوزونه و سرمونو داغ می‌کنه. از روزی که قلیون رو شروع کردم، همش دنبال چیز جدیدم و الان همیشه تو فکرم اینه که موادم امتحان کنم و هر کاری می‌کنم از فکرش درنمیام.»

بحث و نتیجه گیری

مقوله هسته به‌دست آمده از جریان پژوهش، «اوقات فراغت بستر بروز رفتار مصرف‌محور»، حاوی مؤلفه‌ها و نکته‌هایی اساسی است که با کاوش و دقت در مقوله‌ها و مفاهیم حاصل از داده‌ها، به واگشایی اهمیت فضای اوقات فراغت در ایجاد بسترهای مصرف دخانیات در میان دانشجویان اشاره دارد. در این قسمت می‌توان به این نتیجه مهم و قابل‌توجه رسید که اوقات فراغت و نحوه سپری کردن آن تا چه حد مهم و استفاده نادرست از این اوقات، آسیب‌هایی جدی همچون مصرف سیگار و اعتیاد را برای جوانان به همراه خواهد داشت. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر شرایطی هستند که بر اوقات فراغت تأثیر می‌گذارند و خود می‌توانند زمینه ایجاد بسترهای مصرف را

در بین جوانان توسعه دهند. شرایط علی، از جمله نبود نظارت خانواده و زیست‌مکان مصرفی چون قهوه‌خانه، تأثیر مهمی بر شروع مصرف سیگار در میان جوانان و دانشجویان دارد. شرایطی مانند محدودیت امکانات ورزشی نیز زمینه را برای گذراندن اوقات فراغت در قهوه‌خانه فراهم کرده و در نهایت به اعتیاد به سیگار در میان دانشجویان منجر می‌شود (نمودار ۱).



نمودار ۱- مدل پارادایمی اوقات فراغت، بستر بروز رفتار مصرف‌محور

جمعیت خوابگاه‌های دانشجویی، جوان بودن این قشر، علاقمندی به ورزش از یک طرف و از طرف دیگر کمبود امکانات ورزشی و تفریحی، همان‌طور که در تحقیقات امین‌الرعی و همکاران (۱۳۹۲) و واگنر و همکاران (۲۰۰۶) نیز به آن اشاره شده است، از علل گرایش به سیگار است. بیشترین میزان مصرف سیگار و قلیان طبق گفته مشارکت‌کنندگان، به اوقات بیکاری و فراغت دانشجویان مربوط می‌شود و مصرف سیگار را راهی برای تفریح و سرگرم شدن خود می‌دانند. رهایی از نظارت خانواده، از دیگر عوامل زمینه‌ساز مصرف سیگار در میان دانشجویان است. محدودیت و کنترل شدید خانواده بر روی فرزندان در گذران اوقات فراغت آنان نوعی انگیزه برای رهایی از این محدودیت را برای فرزندان فراهم کرده و در زمانی که فرصتی مانند قبولی در دانشگاه و حضور در خوابگاه مهیا می‌شود، فرد با جهانی ناآشنا و پرتنوع برای گذران اوقات فراغت خود مواجه می‌شود و این شرایط گاهی ممکن است به طغیان و رفتار انحرافی نوجوان منجر شود. این یافته با بخشی از نظریه نقش و پایگاه که معتقد است جدایی جوانان از والدین و ورود به فضای دانشگاه یا محیط‌هایی که به جوان آزادی عمل بیشتری نسبت به محیط خانواده می‌دهد، در گرایش آنان به فعالیت‌های بزهکارانه‌ای همچون مصرف مواد مخدر یا دخانیات تأثیر زیادی دارد و هم‌جهت است. دانشجویانی که به دنبال پر کردن اوقات فراغت خود در محیط خارج از دانشگاه هستند، قهوه‌خانه را به‌عنوان مکانی برای تفریح و دور هم جمع شدن‌های دوستانه می‌دانند و آنچه که در قهوه‌خانه بیشترین طرفدار را دارد مصرف قلیان است. یکی از نکات مهمی که محققان این پژوهش در طی مصاحبه‌های صورت‌گرفته از مشارکت‌کنندگان دریافتند این است که قلیان هم واسطه‌ای برای گردهمایی‌های دوستانه بین جوانان است و هم مصرف آن قبح مصرف دود را شکسته و زمینه‌ساز اصلی مصرف سیگار در میان دانشجویان است. این نتیجه‌گیری با بخشی از نظریه خرده فرهنگ کوچه و خیابان که اظهار می‌دارد زمانی که جوانان از والدین و خانه جدا می‌شوند و با دوستان هم‌فکر خود سبک‌های فراغتی هماهنگ شکل می‌دهند و به سمت تفریحات لذت‌بخش و

جدید سوق می‌یابند، احتمال بزهکاری آنان بسیار بالا می‌رود، هماهنگ است. اغلب دانشجویان پژوهش حاضر، قبل از مصرف سیگار، تجربه قلیان کشیدن را داشته و این خود نشان از نقش مخاطره‌انگیز قلیان در ایجاد آسیب‌های جدی چون سیگار و به تبع آن مواد مخدر دارد.

دانشجویان بخش زیادی از اوقات فراغت خود را منفعلانه و بدون برنامه‌ریزی خاصی سپری می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ناظمی و همکاران (۱۳۹۱)، فریدفتی و همکاران (۱۳۹۱)، خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۸۹)، مجیدپور و همکاران (۱۳۸۴)، ین و همکاران (۱۹۹۹) و اگنیو (۱۹۸۹) که معتقدند فعالیت‌های فراغتی سازمان‌نیافته و منفعل از علل اصلی بزهکاری جوانان است، همسو است. این نحوه گذراندن اوقات فراغت طیف گسترده‌ای از رفتارها، از قبیل خوابیدن طولانی‌مدت روزانه، ورق بازی کردن با دوستان، اعتیاد به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی و موارد زیاد دیگری را شامل می‌شود. بیش از نیمی از دانشجویان مشارکت‌کننده در این پژوهش به اظهار خود، وقت روزانه خود را با خوابیدن و وب‌گردی گذرانده و در ساعت شب نیز با دوره‌های دوستانه و تماشای فیلم و ورق بازی کردن و مصرف سیگار و قلیان سپری می‌کنند. مصرف قلیان و سیگار بخش مهمی از زمان اوقات فراغت دانشجویان مورد مطالعه این پژوهش را دربرمی‌گیرد. در واقع سیگار واسطه‌ای ارزان برای دور هم بودن‌های شبانه دانشجویان محسوب می‌شود که این یافته در تحقیق اید و همکاران (۲۰۱۵) به‌صورت در دسترس بودن آسان سیگار که از علل سه‌گانه اصلی مصرف سیگار در این پژوهش است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که اوقات فراغت هم می‌تواند یک فرصت برای تعالی و نشاط جوانان باشد و در صورت بی‌توجهی و برنامه‌ریزی برای آن، قشر دانشجو را که سرمایه‌های بنیادین جامعه محسوب می‌شوند، با آسیب‌های جدی چون مصرف دخانیات و اعتیاد روبه‌رو می‌کند.

جنبه‌های تفاوت و نقطه قوت پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات صورت گرفته، ناشی از نوع تحلیل و چگونگی اثرگذاری جنبه‌هایی است که در واگشایی و توصیف لایه‌های عمیق و پنهان مصرف سیگار، محل توافق یا اختلاف است. چنان که ورود به تحقیق با رویکرد کیفی و زمینه‌ای نیز داعیه این تفاوت را دارد و مدعی است که ورود به یک رویداد و کشف لایه‌های عمیق و شرح چگونگی آن، این تحقیق را با دیگر تحقیقات متفاوت می‌سازد. در چند دهه اخیر با توجه به افزایش نرخ مصرف سیگار در میان دانشجویان، تحقیقات پژوهشی وسیعی در زمینه علل و اثرات مصرف سیگار در کشور صورت گرفته است که عمدتاً با رویکرد اثباتی و کمی و در حوزه پزشکی و سلامت انجام شده‌اند. پژوهش حاضر، بر این باور است که مسئله یا به عبارت دیگر تجربه مصرف سیگار باید از نگاه افراد درگیر در آن نیز بررسی شود. چنین مطالعاتی با رویکرد کیفی می‌تواند درک واقع‌بینانه‌تر و همدلانه‌تری از بسترها و پیامدهای مصرف سیگار به دست داده و زوایای زیرین معنایی و ذهنی برخورد با این پدیده را بهتر آشکار کند. نکته قابل توجه این پژوهش تأکید بر نقش اوقات فراغت بر ایجاد بستری در مصرف سیگار از سوی دانشجویان است که در کمتر پژوهشی به آن اشاره شده است.

به طور کلی هیچ فرد، گروه، نهاد و سازمانی تردید ندارد که غنی‌سازی اوقات فراغت نسل جوان و قشر دانشجو، دارای اهمیت زیادی است و برای سالم‌سازی این اوقات باید برنامه‌ریزی مدونی کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور برای تعیین الگوی مطلوب زندگی دانشجویی و پر کردن اوقات فراغت این قشر پرجنب‌وجوش جامعه، از طریق مشارکت همه‌جانبه با جوانان برنامه‌ریزی کنند. این برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای طراحی و انجام شود که همه جوانب زندگی اعم از خواسته‌ها و تمایلات فکری و ذاتی قشر جوان جامعه به‌خصوص دانشجویان را پاسخ‌گو باشد. دانشگاه‌ها در دسترس‌ترین و آشناترین مکان برای برقراری ارتباط با دانشجویان است. از این رو پیشنهاد می‌شود، در پایان هر نیمسال،

جزوات اطلاع‌رسانی از سوی مسئولان فرهنگی دانشگاه‌ها با همکاری دانشجویان و با نظارت معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، میان دانشجویان توزیع شود و اطلاعاتی از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در خصوص فعالیت‌های مربوط به بهینه‌سازی اوقات فراغت در اختیار دانشجویان قرار گرفته و از آنان نظرخواهی شود.

منابع

- احمدی، حبیب؛ مقدس، علی‌اصغر؛ خواجه‌نوری، بیژن. (۱۳۸۰)، «بررسی تطبیقی رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان دبیرستان‌های نظام قدیم و جدید شهر شیراز». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. (۱۶) ۲، پیاپی ۳۲: ۱۹۳-۲۰۶.
- اشتراوس، انسلم؛ کرین، جولیت. (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. چاپ دوم. تهران: نشرنی.
- امین‌الرعایا، مهین؛ عطاری، عباس؛ مرآتی، محمدرضا. (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر در گرایش به استعمال سیگار در دانشجویان دانشکده پزشکی اصفهان». *تحقیقات علوم رفتاری، ویژه‌نامه طب رفتاری*. (۱۰) ۷: ۷۲۶-۷۳۴.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱)، *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تیبیا، مجتبی. (۱۳۸۸)، بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان (۱۸-۲۹) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی*.
- حسن‌نژاد، محمدرضا؛ میرغضنفری، بیتا السادات. (۱۳۹۱)، «نگاهی جامعه‌شناختی به علل گرایش نوجوانان و جوانان به قهوه‌خانه‌ها و آسیب‌های اجتماعی آن».

بازنمایی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد ... ۲۱۳

دومین همایش سراسری علمی کاربردی مددکاری اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد خمینی شهر.

- خواجه‌نوری، بیژن؛ هاشمی‌نیا، فاطمه. (۱۳۸۹)، «رابطه اوقات فراغت و بزهکاری، نمونه مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. (۷) ۲: ۳۱-۵۷.

- رمضانی، طاهره؛ گواری، فاطمه؛ علیزاده، سکینه؛ ریانی، مسعود؛ بهرامپور، محمدرضا. (۱۳۸۹)، «شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار در دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان». *مجله دانشکده پرستاری و مامایی رازی کرمان*. (۱۰) ۱۹: ۱-۶.

- رفعت‌جابه، مریم. (۱۳۹۰)، «فراغت و ارزش‌های فرهنگی». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*. (۴) ۱: ۱۵۱-۱۹۰.

- فریدفتحی، اکبر؛ معرفت، داریوش؛ اعلم، زهرا. (۱۳۹۱)، «بررسی نحوه گذران اوقات فراغت در بین نوجوانان بزهکار منطقه حاشیه‌نشین شهر مراغه». *دوفصلنامه مطالعات پلیس زن*. (۶) ۱۷: ۴۰-۶۱.

- فکوهی، ناصر؛ انصاری مهابادی، فرشته. (۱۳۸۲)، «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی، نمونه موردی دبیرستان دخترانه شهر تهران». *نامه انسان شناسی*. (۱) ۴: ۶۱-۸۹.

- قدوسی، آرش؛ امینورایی، مهین. (۱۳۹۲)، «شیوع مصرف سیگار و برخی ویژگی‌های دموگرافیک و روان‌شناختی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد خوراسگان». *تحقیقات علوم رفتاری*. (۱۰) ۸: ۴۰۱-۴۱۰.

- مجیدپور، علی؛ اربابی، یوسف؛ قلی‌زاده، ناطق عباس؛ صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۴)، «میزان شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار در دانشجویان دانشگاه علوم

پزشکی اردبیل». *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل*. (۵) ۳: ۲۶۶-۲۷۰.

- مشکانی، محمدرضا؛ مشکانی، زهراسادات. (۱۳۸۱)، «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری جوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*. (۴) ۲: ۲۵-۳.

- موموندی، افسر. (۱۳۸۰)، *بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.

- ناظمی، سعید؛ چمن، رضا؛ داوردوست، ناهید. (۱۳۹۱)، «بررسی شیوع و علل گرایش به دخانیات در دانشجویان». *فصلنامه دانش و تندرستی*. (۷) ۳: ۱۰۷-۱۱۱.

- واصفیان، فرزانه؛ باقری، محمد؛ آزادی‌پور، شیوا؛ واصفیان، فریبا. (۱۳۹۳)، «بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اردستان». *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*. (۴) ۱۳: ۱۴۵-۱۵۶.

- Agnew, R. (1989). "A longitudinal test of the revised strain theory". *Journal of Quantitative Criminology*. 5 (4): 373-387.
- Baron, S. W. Forde, D.R., and Kay, F.M. (2007). "Self-control, risky lifestyles, and situation: The role of opportunity and context in the general theory". *Journal of Criminal Justice*. (35): 119-136.
- Brownfield, D. and Thompson, K. (2005). "Self-concept and delinquency: The effects of reflected appraisals by parent and peers". *Western Criminology Review*. 6 (1): 22-29.
- Catherine, G. Shanta, R. Dube Bridget, K. Ambrose, B. Benjamin, J. Apelberg, C Husten, G. (2014). "Cigar Smoking Among U.S. Students Reported Use After Adding Brands to Survey Items". *American Journal of Preventive Medicine*. 47 (21): 28-35.

- Corbin, J. and Strauss, A. (1998). *Basics of Qualitative Research*. London: Sage publications.
- Eid, K. Samah, S. Dalia, A. El-sayed, A. (2015). "Smoking problem among Helwan University students: Practical versus theoretical faculty". *Egyptian Journal of Chest Diseases and Tuberculosis*. (64) 2: 379-385.
- Kwon, H. K. (2001). "Risk and protective factors for adolescent delinquency". *Journal of Korean Home Economics Association*. (2) 1: 135-152.
- Kelly, K.J, Comello, M.L.G., & Edwards, R.W. (2004). "Attitudes of rural middle-school youth toward alcohol, tobacco, drugs, and violence". *The Rural Educator*. (3) 2: 199-24.
- Patton, M. (2001). *Qualitative Research and Evaluation Methods*. London: Sage Publication.
- Patterson, I. (2000). "Exploring the links between leisure boredom and alcohol use among youth in rural and urban areas of Australia". *Journal of Park and Recreation Administration*. (18) 3: 53-75.
- Phillips, J. C., & Kelly, D. H. (2009). *School failure and delinquency which causes which?*. *Criminology*. (17).
- Vitzthum, F. Koch, D. Groneberg, B. Mache, S. Marx . Hartmann, T. Pankow, W. (2012). "Smoking behaviour and attitudes among German nursing students". *Nurse Education in Practice*. 407- 412.
- Wegner, L. Alan, f. Marite, M & Carl, M. (2006). "Leisure Boredom and substance Use Among High School Students in Sout Africa". *journal of Leisure Research*. (38) 2: 249-266.

- Walker, H. M., & Sprague, J. R. (1999). "The path to school failure, delinquency, and violence: Causal factors and some potential solutions". *Intervention in School and Clinic*. (35) 2: 67-73.
- Yen, Z. Katims, D. & Zpata, J. T. (1999). "Participation in leisure activities and involvement in delinquency by Mexican America adolescents". *Hispanic Journal of behavioral Sciences*. 21 (2): 170-185.